

# باز انگاری مدیریت

دکتر فریبا لطیفی

"حیاتی ترین کار و مسئولیت نسل ما این است که به باز انگاری در مورد سازمانهای خود، اعم از خصوصی و دولتی همت گماریم."

(نقل از کتاب باز انگاری نوشته تام پیترز<sup>۱</sup>)

در طول تمدن بشری، مقاطعی از تاریخ وجود دارد که به دلیل انباشت پیشرفتهای انجام شده، «انگاره‌ها» یا «پارادایم»های گذشته جوابگوی نیازهای علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی او نیست. در این برهه‌های تاریخی است که شاهد تحولات بزرگ در جوامع انسانی و بروز پدیده‌ای هستیم که در زبان علمی «دگرگونی انگاره» یا «پارادایم شیفت» نام دارد.

واژه پارادایم شیفت را اولین بار **توماس کوهن** در تبیین چگونگی تحولات در علوم به کار برده است. وی پیشرفت در علوم را در قالب این پدیده تشریح می‌کند و اظهار می‌دارد که هرگاه در یک علم، چارچوب پذیرفته شده حاکم، جوابگوی سوالات مطرح شده در آن زمینه علمی نباشد پدیده پارادایم شیفت رخ می‌دهد که در آن علم وارد چارچوب وسیعتری می‌شود تا بتواند پاسخی برای پرسشهای موجود داشته باشد. برای مثال در علم هندسه زمانی که پارادایم یا انگاره حاکم بر هندسه مسطحه جوابگوی پرسشهایی که بعد سو می‌را می‌طلبید، نبود، پارادایم شیفتی در این علم پدید آمد و هندسه فضایی مطرح شد.

پژوهشها نشان می‌دهد که این گونه دگرگونیهای بنیادین در زندگی آدمی در هزاره اول، هر هزار سال یک بار روی می‌داد. در هزاره دوم، انسان هر صد سال شاهد این پدیده بود و پیشینی می‌شود که در هزاره سوم هر ده سال یک پارادایم شیفت در زندگی ما روی دهد. آگاهی از این مطلب از این رو در خور توجه است که در هر یک از این دگرگونیهای بنیادین لازم است که ما در انگاره‌های خود بازنگری کنیم؛ که اگر چنین نکنیم گیج و مبهوت، از تفسیر رویدادهای پیرامونمان در خواهیم ماند و توان استفاده از فرصتها را از دست داده و مغلوب تهدیدات خواهیم بود.

نکته جالب این است که مردان و زنان پیروز تاریخ کسانی بوده‌اند که توانسته‌اند از فرصتهای بیشمار پیش آمده که از ویژگیهای این دوران دگرگونی است بهترین بهره‌برداری را بکنند، و برعکس، بازندگان آنهایی بوده‌اند که در چمبره رخوتها گرفتار آمده‌اند و تهدیدات برخاسته از تحولات بر آنان چیره شده است. این بازندگان، دایناسورهای محکوم به نابودی در زمانه خویش‌اند.

**پیتر دراگر**، پدر مدیریت مدرن، در این خصوص به مدیران امروز هشدار می‌دهد که:

"هر چند سال یکبار تحولی بزرگ روی می‌دهد. انسان از گسلی می‌گذرد. ظرف دو سه دهه آینده، جامعه آرایش خود یعنی نگاه خویش به جهان، اصول پایه، ساختار اجتماعی و سیاسی، فن و هنر، و نهادهای عمده خویش را تغییر می‌دهد. پنجاه سال بعد دنیایی می‌بینیم به کلی جدید، کسانی که پس از تحول زاده شده‌اند نمی‌توانند دنیایی را که پدر بزرگها و مادر بزرگها در آن زندگی کرده‌اند یا حتی دنیایی را که پدر و مادر خودشان در آن زاده شده‌اند مجسم کنند. اما دگرگونیهای بنیادین در این زمانه، پدیده‌هایی که ۳۰ سال پیش دیدنی بود، رفته رفته به مرحله‌ای می‌رسد که همه اثر خود را نمایان کند. این واقعیتها شالوده تجدید ساختار کسب و کار در جهان می‌شود." مدیران باید بدانند که در دورانی به سر می‌برند که هر روز «روز از نو» است و روزی از نو». هر روز بازی نوینی آغاز می‌شود و قوانین بازی هر روز از نو نوشته می‌شود. مدیران آگاه می‌دانند در چنین زمانه‌ای امور مسلم دیروز به خرافه‌های فردا تبدیل خواهند شد، و به گفته **مایکل پورتر**: "آینده به روی افراد و سازمانهایی که یارای گریز از جاذبه گذشته را ندارند، بسته خواهد بود."

بر مدیران هوشمند است که آگاه باشند، مسیری که مادر پیش داریم نقشه راهی ندارد و حتی نمی‌دانیم که راه چیست. تنها چیزی که می‌دانیم این است که «وضعیت کنونی با معیارها و استانداردهای دیروز تعریف پذیر نیست». چنانچه تام پیترز می‌گوید: امروز نیازمند آموزش خود برای شرکت در بازی نو و بیسابقه‌ای هستیم؛ چیزی که آن را بازنگری نامیده‌ایم."

پس پند هشیاران را به گوش گیریم و باز بیندیشیم، و باز بسازیم!



## پانوشته‌ها:

۱- این کتاب با ترجمه دکتر رضایی نژاد به مناسب برگزاری اولین گردهمایی بزرگ مدیران کشور و در زمان برگزاری، از سوی سازمان فرهنگی فرا منتشر خواهد شد.

2- Paradigm Shift